

## اشاره:

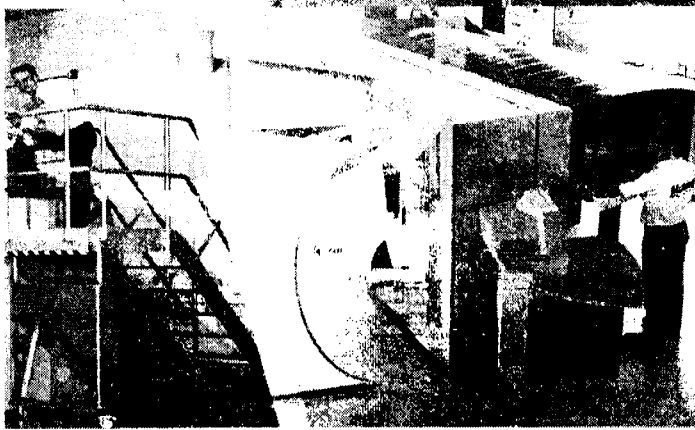
همچنان که ما به قرن بیست و یکم وارد می‌شویم، خود را رویاروی تغییر و تحولات در امانیکی می‌یابیم که به تجدید قالب فضای توسعه منجر شده و ما هم به سهم خویش می‌بایست برای موضوعات بسیاری، پاسخهای مناسب ارائه دهیم. موضوعاتی مانند: مشکلات بلند مدت ناشی از بحران در آسیای شرقی، حوادث مربوط به صحرای آفریقا و مسائل ناشی از

اصلاحات ساختاری در اقتصاد، کوچک شدن نهادهای قدرت در بسیاری از دولتها و جوامع، فشارهای زیست محیطی منطقه‌ای و جهانی، کاهش فزاینده منابع اساسی و سرانجام رشد انبوه جمعیت جهان.

مهمترین تغییراتی که در مقیاس جهانی در حال وقوع می‌باشند عمدتاً ماهیتی سیاسی، جمعیت شناختی، اجتماعی، اقتصادی، زیست محیطی و تکنولوژیک دارند. در این مقاله تغییرات مذکور و اثرات آنها بر پیشرفت تعاونیها، به طور خلاصه مورد بحث و بررسی قرار می‌گیرد.

## تحولات سیاسی

برجسته‌ترین و گسترده‌ترین تغییرات در حوزه سیاسی را می‌توان زوال سوسیالیزم جزمی به عنوان یک الگوی حکومتی دانست که همراه با تجدید ساختار خصوصی سازی و برچیده شدن تعداد زیادی از موسسات عمومی و مجتمع‌ها و بنگاههای اقتصادی دولتی در بسیاری از کشورها همراه بوده و عملاً موجب افزایش فقر و تحولات شگرف در این زمینه گردیده است. برنامه‌های تعدیل



## تعاونیها و فعالیت در محیطی متحول

## ● اصغریات

معاون دفتر تحقیقات و پژوهش وزارت تعاون

ساختاری در بسیاری از کشورهای در حال توسعه و بعضی از کشورهای صنعتی، سختی‌های فراوانی را به ویژه برای اقشار کم درآمد به دنبال داشته است. این برنامه‌ها، آزادسازی اقتصادی را مورد حمایت قرار داده و لذا فرصتی طلایی فراوری ثروتمندان و با سوادان اغلب فاقد اصول و ارزشهای اخلاقی، قرار می‌دهد به نحوی که این گروهها در عمل با تحمیل هزینه بر دوش اقشار گوناگون جامعه به خصوص افراد ضعیف‌تر برای خویش کسب منافع می‌نمایند. این فرایند را می‌توان سناریوی کلاسیک برای تعاونیها نامید.

در طول دو دهه گذشته، آزادسازی سیاسی، تعاونیها و سازمانهای وابسته به آنها را به شیوه‌های مختلف تحت تأثیر قرار داده است. اول آن که دوران عضویت اجباری در تعاونیها و سازمانهای وابسته به آنها به سر آمده است. نتیجه این امر، کاهش چشمگیر عضویت و متعاقباً سیر نزولی مشارکت اقتصادی اعضا بوده است. دوم اینکه با توجه به قطع یارانه‌های دولتی مجموعه خدمات تعاونی نیز کاهش قابل ملاحظه داشته است. بدین ترتیب فقدان اعتمادی که بر مبنای

حمایتها و کمکهای مداوم دولتی به وجود آمد کیفیت و سطح تولید را تحت تأثیر قرار داده و در نتیجه بیکاری و یا بیکاری پنهان اعضای تعاونیها را به دنبال داشته است. ظهور تعاونیهای اصیل جدید و مشارکت آنها در ایجاد جامعه‌ای به مراتب کثرت‌گراتر را می‌توان از جمله دستاوردهای آزادی خواهی شرکتهای تعاونی برشمرد.

پس از تجربیات پر هسزبنه و ناموفق در زمینه مجتمع‌ها و تعاونیهای اصلاحات ارضی (به عنوان مثال:

اوجاما در تانزانیا، فوکولونا در ماداگاسکار، انجمنهای روستایی در اتیوپی، سامهانگ نایونز در فیلیپین و مجتمع‌های کشورهای سابقاً کمونیست اروپای مرکزی و شرقی و اتحاد جماهیر شوروی سابق) سودمندی و عملی بودن مجتمع‌ها و نقش تعاونیها در برنامه‌ها اصلاحات ارضی هم اکنون در حال بازبینی می‌باشد. شرکتهای تعاونی تحت کنترل دولت که در واقع به طور مصنوعی ایجاد شده و عملاً وابسته به پارانه‌های دولتی و کمکهای خارجی هستند احتمال دارد فاقد اعتبار و قابلیت‌های لازم برای تطبیق با شرایط جدید باشند در نتیجه، با قطع کمکهای دولتی در معرض سقوط و اضمحلال قرار گیرند.

اما تعاونیهایی که بدون دریافت کمکهای دولتی تشکیل شده‌اند می‌توانند به خوبی از منافع ناشی از واگذاری بنگاههای اقتصادی دولتی و به عنوان مثال مسؤولیتهای مرتبط با مدیران بازاریابی معزول شده، بهره‌مند گردند.

در ارتباط با درک نقش دولت در بسیاری از کشورهای صنعتی نیز تغییرات ویژه‌ای پدید آمده است. در اکثر این کشورها، دولت از مداخله مستقیم در

صنعت و تجارت خودداری کرده و بیشتر به تنظیم و تأمین ساختارهای مورد نیاز برای گسترش فعالیت‌های اقتصادی به منظور نیل به کامیابی و رفاه اقتصادی شهروندان همت گمارده است. در این راستا تعاونی‌ها نیز در یک بازار رقابتی سالم و در کنار سایر بنگاه‌های اقتصادی از رشد فزاینده‌ای برخوردار بوده‌اند.

### تحولات جمعیتی

جهان در حال حاضر شاهد دو روند کاملاً متفاوت در زمینه تحولات جمعیتی می‌باشد. در کشورهای صنعتی میزان زاد و ولد رو به کاهش و امید به زندگی دائماً در حال افزایش است. لذا در آینده، فعالیت‌های مرتبط با تأمین خدمات اجتماعی برای تعداد فزاینده‌ای از شهروندان سالخورده که بین ۲۰ تا ۳۰ سال بعد از بازنشستگی به زندگی خویش ادامه می‌دهند، کاهش می‌یابند. در آلمان طی ۳۰ سال آینده، مالیات‌دهندگان و کسانی که حق بیمه پرداخت می‌نمایند، به مراتب بیش از شهروندان سالخورده مسدعی پرداخت هزینه‌های تأمین اجتماعی خواهند بود. در کشورهای در حال توسعه، روندی مغایر با این امر مصداق دارد. در آفریقا و بسیاری از کشورهای آسیایی (به استثناء چین) و نیز آمریکای لاتین، نرخ زاد و ولد همچنان بالاست و این در حالی است که اکثریت جمعیت جوامع مذکور، زیر ۲۰ سال سن دارند. طرف ۳۰ تا ۵۰ سال آینده، ۹۰ درصد رشد جهانی جمعیت در کشورهای در حال توسعه و در بین اقشار دارای درآمد پایین‌تر، به وقوع می‌پیوندد. به علاوه، پیشرفت‌های علوم پزشکی کاهش نرخ مرگ و میر و افزایش امید به زندگی را در پی خواهد داشت.

براساس برآوردهای انجام شده، ظرف ۵۰ سال آینده، جمعیت جهان سالانه حدود ۹۳ الی ۹۵ میلیون نفر افزایش می‌یابد، به گونه‌ای که تا سال ۲۰۵۰ به رقمی بالغ بر ۱۰ میلیارد نفر (در برابر ۵/۵ میلیارد نفر جمعیت سال ۱۹۹۲) خواهد رسید. رشد فزاینده جمعیت به معنای افزایش فشار بر سیستم زیست محیطی و در نتیجه نیاز فزاینده به غذا، سرپناه و شغل خواهد بود. این فرآیند،

مشکلات بیشتری را نیز در آینده به شرح ذیل دامن خواهد زد: نبود زمین کافی، کشمکش بر سر نحوه استفاده از زمین، افزایش تقاضا برای شهرنشینی، همراه با رشد سریع معابر عمومی و محلات غیربهداشتی و سکونت‌های غیرمجاز در حاشیه شهرهایی نظیر لاگوس، لوزاکا، نایروبی، مانیل، بانکوک و ریودوژانیرو.

در کشورهای صنعتی، تحولات جمعیتی، تعاونی‌ها را ناگزیر به ایجاد تنوع در ارائه خدمات کرده و انگیزه‌های لازم را برای تشکیل تعاونی‌های تخصصی توسط گروه‌های خاصی از مردم را در آنها به وجود می‌آورد. از دهه ۱۹۸۰ به این سو، انواع جدیدی از شرکت‌های تعاونی به منظور مراقبت از افراد سالخورده و نیز تأمین خدمات اساسی، از قبیل مراقبت‌های پزشکی، مسکن، مراسم تدفین و دیگر خدمات اجتماعی حسابی، گسترش یافته‌اند. هم‌زمان و هم‌سویا این دیدگاه، سایر گروه‌های آسیب‌پذیر، نظیر جوانان بیکار نیز، بخشی از منافع خود را در تشکیل و با پیوستن به تعاونی‌های کارگری و یا تعاونی‌های خدمات جامعه محور، جستجو می‌کنند. در بسیاری از کشورهای اروپایی، دهه‌های ۱۹۷۰ و ۱۹۸۰، به عنوان دهه‌های احیای مجدد تعاونی‌های کارگری محسوب می‌شود. در کشورهای در حال توسعه، با هدف توقف مهاجرت انبوه به مناطق شهری، تعاونی‌های روستایی تلاشی در خور توجه برای افزایش سهم خود در توسعه منطقه‌ای، اشتغال‌زایی در مناطق روستایی و همچنین ارائه خدماتی از قبیل ایجاد زیرساخت‌های روستایی، احیای جنگل‌ها، اصلاح زمین و حفاظت از محیط زیست، از خود نشان داده‌اند.

### تحولات اجتماعی

در سرتاسر جهان، همراه با افزایش تحولات جمعیتی که قبلاً بدان‌ها اشاره گردیده است، زوال سیستم‌های ارزشی نیز مشاهده می‌شوند. ساختارهای خانواده که از گذشته‌های بسیار دور به عنوان سیستم‌های قابل اعتماد و موثر تأمین اجتماعی تلقی می‌گردیدند، در حال فروپاشی می‌باشند. در بسیاری از

کشورهای صنعتی، خانواده‌های گسترده و چند نسلی از این قاعده مستثنی هستند. در عوض وجود خانواده‌های کوچک دارای یک یا دو فرزند هم که به نوعی هنجار تلقی می‌گردید، هم اکنون جای خود را به خانواده‌های یک نفره داده‌اند. تحت چنین شرایطی، موضوع مراقبت از افراد سالخورده نیز می‌بایست به طور جدی مورد توجه قرار گیرد.

در کنفرانس جهانی «توسعه اجتماعی» که در سال ۱۹۹۵ در کینشاسا برگزار گردید، گزارشی مبنی بر هفت برابر شدن ثروت‌های ملی طی ۵۰ سال گذشته ارائه شد. اما در عین حال، در بسیاری از جوامع، اعم از کشورهای پیشرفته و در حال توسعه، فاصله موجود بین فقیر و غنی افزایش یافته است. علی‌رغم این واقعیت که کثرت‌گرایی دموکراتیک، نهادهای دموکراتیک و آزادی‌های مدنی و اساسی در حال گسترش می‌باشند؛ گروه‌های بی‌شماری از مردم، به ویژه زنان و کودکان در برابر فقر و محرومیت و نیز فشارهای ناشی از آنها، آسیب‌پذیر هستند. فقر، بیکاری و عدم انسجام اجتماعی، اغلب منجر به انزوا، حاشیه‌نشینی، و خشونت می‌گردد.

در حالی که این قبیل مشکلات، کلیه کشورها را تحت تأثیر قرار می‌دهند؛ اجماع عمومی بر این است که موفقیت اکثریت کشورهای در حال توسعه، به خصوص کشورهای آفریقایی، بحرانی و نیازمند توجهاتی خاص است و این گونه کشورها که شاهد تغییر و تحولات اساسی (بنیادی) در اوضاع سیاسی - اجتماعی و اقتصادی خسود هستند (از جمله کشورهایی که تحکیم صلح و ثبات و دموکراسی در درون خود را تجربه می‌کنند) نیازمند حمایت‌های بی‌دریغ جامعه بین‌المللی می‌باشند.

طبق برنامه عملی کنفرانس اجتماعی، نیل به اهداف توسعه اجتماعی، مستلزم کوشش‌های مداوم به منظور کاستن و از بین بردن منابع اصلی اضطراب و پریشانی اجتماعی و بی‌ثباتی خانواده و جامعه می‌باشد. توجه خاص و اولویت ویژه می‌بایست صرف مبارزه برضد شرایط جهانی منتهی به تهدیدات جدی علیه

بهداشت، سلامت و ایمنی، صلح، امنیت و رفاه عمومی مردم گردد. گرسنگی مزمن، سوءتغذیه، مشکلات ناشی از قاچاق مواد مخدر، جرم و جنایت‌های سازمان یافته، فساد، اشتغال خارجی، درگیری‌های مسلحانه، دادو ستد غیرقانونی اسلحه، تروریسم، تعصبات و تحریکات نژادی، قومی، مذهبی و سایر دشمنی‌ها، انزجار و تنفر از اجانب، امراض بومی و محلی و بیماری‌های مسری و مزمن را می‌توان از جمله این شرایط، برشمرد. بنابراین برای دستیابی به این اهداف، هماهنگی و همکاری‌ها در سطح ملی و به ویژه در سطوح منطقه‌ای و بین‌المللی، باید تقویت شوند.

در خلال فرآیند تعدیل ساختاری، این نکته کاملاً روشن شده است که تعاونی‌های خدماتی مستقل و خود اتکا و همچنین اتحادیه‌های اعتباری، قادرند در زمینه توسعه منابع انسانی و از طریق کمک به اعضا خود برای افزایش دانش عمومی و مهارت‌های حرفه‌ای خویش، سهم شایانی را برعهده بگیرند. این قبیل تعاونی‌ها می‌توانند در کاهش و تسکین عوارض منفی «تعدیل» و اثرات آن بر اقشار ضعیف‌تر نیز کمک‌های موثری ارائه دهند.

سازمان‌های خودیاری که به طور خودجوش و به منظور حل فوری مشکلات اعضا خویش تشکیل شده، و از جمله آنها، «گروه‌های غیررسمی و ماقبل تعاونی» را می‌توان نام برد، به مراتب قابل اعتمادتر از ساختارهای وارداتی می‌باشند که کاملاً هم سازگار با استانداردها و الگوهای رفتار منطقه‌ای نبوده و لزوماً هم در راستای رفع نیازمندی‌های اقتصادی گروه‌های هدف قرار ندارند. لیکن، علی‌رغم تمام احتیاط‌ها و تدابیر اتخاذ شده، شرکت‌های تعاونی اصیل که با هزینه‌های مناسب و هم سو با رفاه عمومی اعضا خود تشکیل گردیده‌اند، وقتی که به عنوان «تشکیلات رسمی» برای ارائه خدمات و کالاهای مورد نیاز گروه‌های هدف مورد استفاده قرار می‌گیرند، (همان گونه که در گزارش «شورای اقتصادی اجتماعی سازمان ملل متحد ECOSOC بدان اشاره شد) به

سادگی تحلیل رفته و ضعیف می‌شوند.

## تحولات اقتصادی

گسترده‌ترین تغییرات اقتصادی در طول چند سال گذشته را می‌توان در قالب تحریکات بسیاری از دولت‌های کمونیستی سابق در مرحله گذار از اقتصاد متمرکز به اقتصاد بازار، مشاهده کرد. در تمامی کشورها، اختلاف‌های فزاینده‌ای بین فقرا و اغنیا وجود دارد. حتی در کشورهای ثروتمند صنعتی، توزیع نابرابر ثروت و افزایش فقر به حدی رسیده که چند دهه قبل غیرقابل تصور می‌نمود. تعداد افراد بیکار و بی‌خانمان نیز به سرعت در حال افزایش است.

افزایش بیکاری و بیکاری پنهان همراه با ظرفیت محدود بنگاه‌های اقتصادی غیردولتی جدید در جذب افراد جویای کار؛ فعالیت خصوصی، کارآفرینی و خوداشتغالی را به عنوان جایگزین ضروری برای اشتغالزایی مطرح کرده است.

تمایل به داشتن مشاغل کمتر اما دارای درآمد بیشتر نیز انتقال مشاغل به کشورهای دارای نیروی کار ارزان که افزایش شمار بیکاران متکی به اعانات اجتماعی را به دنبال دارد، نمی‌تواند بدون آن که ناآرامی‌های اجتماعی بیشتری را در پی داشته باشد، ادامه یابد. لذا، بازیگران عرصه‌های اقتصادی و سیاسی ناچارند راه حل‌هایی را برای توزیع منصفانه‌تر کار و ثروت بیابند.

در کشورهای در حال توسعه، فقر گسترده، نرخ بالای بیکاری، تورم، شرایط نامطلوب تجاری برای صدور غلات و بار سنگین دیون خارجی، تصویری سرد و نومیدکننده را در معرض دید قرار می‌دهد. برنامه‌های

تعدیل ساختاری درصدد شتاب بخشیدن به رشد اقتصادی و افزایش تولید و صادرات تقریباً با هر بهایی است، اما بی‌توجهی کلی به سیاست‌های اجتماعی به گونه‌ای است که برنامه‌های جدید جهت پوشش دادن کلیه ابعاد اجتماعی سیاست تعدیل می‌بایست طراحی شوند. کاهش سرمایه‌گذاری در زمینه‌های آموزش و بهداشت در کشورهایی که نیاز مبرم و

فوری به بهبود اقتصادی و شرایط اجتماعی دارند، هیچ‌گونه سازگاری با ملزومات و نیازمندی‌های توسعه پایدار و درازمدت ندارد.

براساس ارزیابی‌های سازمان بین‌المللی کار ۲۵ تا ۳۰ درصد از نیروی کار ۳ میلیارد نفری جهان مواجه با بیکاری پنهان بوده و حدود ۱۴۰ میلیون نفر کاملاً بیکار هستند. به طور خلاصه، وضعیت اشتغال در جهان، به شدت تیره و نار بوده و کلیه کشورها ملزم به یافتن راه‌های جدید برای غلبه بر موانع فراوری اشتغال می‌باشند.

با توجه به سطوح بالای بیکاری و بیکاری پنهان، نگرانی‌های عمیق و فزاینده‌ای در خصوص انحصارگرایی اجتماعی ناشی از فرصت‌های محدود اشتغال، وجود دارد. خطرات ویژه ناشی از انحصارگرایی در اوضاع کنونی اقتصادی، عبارتند از: بیکاری جوانان، بیکاری دراز مدت، جایگزینی کارگران سالخورده‌تر، کارگران کمتر ماهر و ناتوان و اقلیت‌های قومی و همچنین بانوانی که حتی با موانع بیشتری در زمینه اشتغال روبروی هستند. نگرانی اجتماعی خاصی پیرامون شدت بیکاری جوانان در سطح جهانی وجود دارد و در همین رابطه، طبق برآورد سازمان بین‌المللی کار، حدود ۶۰ میلیون نفر با میانگین سنی ۱۵ تا ۲۴ ساله، در جستجوی کار هستند و البته آن را نمی‌یابند.

تحولات سریع تکنولوژیک، هم اکنون موجب گردیده است که هم زمان با انطباق سیستم‌های آموزشی با تغییرات تکنولوژیک، افراد نیز به یادگیری و بازآموزی مهارت‌های شغلی خویش در سرتاسر زندگی کاری خود بپردازند. در حالی که تغییر جهت خاصی به سوی فعالیت‌های بخش خدمات در تقریباً کلیه سیستم‌های اقتصادی به وجود آمده است، سیستم‌های آموزشی نیز که به صورت سنتی برای رفع نیازهای بخش تولید تنظیم و راه‌اندازی گردیده‌اند، در زمینه انطباق با تحولات تکنولوژیک از سرعت کمی برخوردار بوده و در همین راستا ابداع سیستم‌های آموزشی مناسب برای فعالیت‌های بخش خدمات نیز شتاب لازم

را ندارند. از دیگر تغییرات مهم ساختاری، نقش فزاینده بنگاه‌های اقتصادی کوچک و متوسط از جمله شرکتهای تعاونی در تامین فرصت‌های شغلی و افزایش اشتغال است.

در بیشتر کشورهای صنعتی، شرکت‌های تعاونی در طول یکصد سال گذشته توسعه یافته و عملاً به ساختارهای اقتصادی سازمان یافته قدرتمندی در داخل سیستم‌های منسجم در سطوح محلی، منطقه‌ای، ملی و بین‌المللی، تبدیل شده‌اند.

در کشورهای صنعتی، اهمیت تعاونی‌ها در اقتصاد بازار، به خوبی و به طور کامل مورد شناسایی قرار گرفته است. دولت در زمینه توسعه تعاونی‌ها و عمدتاً از طریق تامین چارچوب‌های مناسب برای توسعه اقتصادی، اجتماعی و سیاسی و همچنین اطمینان از رعایت قوانین و مقررات و تامین راه‌های دسترسی به شبکه تامین اجتماعی، گام‌های موثری برداشته است. بسیاری از شرکتهای تعاونی قدیم‌التاسیس (شرکت‌های تعاونی تامین و بازاریابی محصولات کشاورزی، تعاونی‌های اعتبار، مصرف، خرده‌فروشی و صنایع دستی، تعاونی‌های مسکن و حرف آزاد) در مقیاس وسیع توسعه یافته و در قالب بنگاه‌های اقتصادی تحت مدیریتی کاملاً حرفه‌ای و به لحاظ مالی قدرتمند، به رقابت تمام و کمال با دیگر انواع شرکت‌های تجاری بازرگانی مشغول می‌باشند.

تعداد زیادی از این بنگاه‌های اقتصادی تعاونی، تقریباً شبیه شرکت‌های بزرگ تجاری به فعالیت خود ادامه می‌دهند و خدمات خویش را نه تنها به اعضا بلکه به عموم مردم ارائه داده و با کاستن از حقوق و تعهدات اعضا به میزان حداقل، روابط آنها با شرکت‌های تعاونی را به سطح مشتری‌های صرف، کاهش داده‌اند. دستاورد درازمدت این روش کاری آن بوده است که تعاونی‌ها با از دست دادن پایه‌های عضویت و همچنین آسان‌سازی خاتمه عضویت، عملاً به بنگاه‌های تجاری متعلق به سرمایه‌گذاران تبدیل شده‌اند. از طرف دیگر، تعاونی‌های بزرگ موفق، نشان داده‌اند که دستیابی به

پایه‌های مستحکم عضویت و نیز مشارکت فعال اعضا در مدیریت و کنترل تعاونی‌های خود (حتی تعاونی‌های دارای ده‌ها هزار عضو) امکان‌پذیر می‌باشد، مشروط بر آن که خط‌مشی مشخص و شفاف برای دستیابی به یک ساختار قدرتمند تعاونی و همچنین انگیزه‌های کافی برای تکمیل و تقویت آن، وجود عینی داشته باشد.

اگر چه انواع تعاونی‌ها برای نیل به اهداف تبیین شده از سوی اعضا مورد استفاده قرار گرفته‌اند، اما اساساً دو قالب مشخص برای همکاری (تعاون) وجود دارد:

- همکاری اقتصادی، اجتماعی، همکاری تجاری، بازرگانی، و البته هر دو نوع همکاری، توان بالقوه برای ارائه خدمات موردنیاز «توسعه پایدار» را دارا می‌باشند.

ویژگی‌های اصلی هر یک از چارچوب‌های همکاری به شرح ذیل خلاصه می‌گردند:

اصولاً همکاری اقتصادی اجتماعی بین افرادی به وجود می‌آید که در جستجوی تامین خدماتی خاص برای خود باشند. این نوع همکاری معمولاً افزایش مزایای ناشی از افزایش سطح کیفی زندگی را به دنبال داشته و به ویژه در ارائه خدمات به محرومین و توسعه و تعمیق انسجام اجتماعی و تقویت فرآیند داد و ستد افشار ضعیف‌تر جامعه، موفق بوده‌اند. این نوع از همکاری اقتصادی، اجتماعی چنانچه اصلی‌ترین علائم توسعه نیافتگی را در کانون توجه خویش قرار دهد به عنوان مثال: از بین بردن نیروهای عامل اختناق و ضدتوسعه از قبیل نخبگان روستایی، رباخواران و افراد طبقه متوسط، می‌تواند به عنوان ارزشمندترین چارچوب همکاری تلقی گردد. حتی در ارتباط با ارائه خدمات اجتماعی ضروری به جامعه از قبیل بهداشت و درمان، آموزش و خدمات عمومی و توسعه کشاورزی که دولت قادر به تامین تمام آنها نمی‌باشد، این گونه همکاری‌ها را می‌توان موثرترین شکل همکاری دانست. اما باید به این نکته مهم توجه داشت که به منظور کار کردن در جوامع فقیرتر، به سطح بالاتری

از م بستگی همراه با یک رهبری قدرتمند محلی، نیاز می‌باشد.

همکاری تجاری بین کارآفرینان و نیز بین بنگاه‌های اقتصادی کوچک و متوسط (SMES) به وقوع می‌پیوندد. البته این نوع همکاری در بین کشاورزان به گونه‌ای فراتر از همکاری در سطح گذران زندگی و امرار معاش، در جریان است. همکاری تجاری به منظور ایجاد ظرفیت‌های بیشتر در بنگاه‌های اقتصادی کوچک و متوسط (از جمله بنگاه‌های اقتصادی روستایی متعلق به افراد یا خانواده‌ها) با هدف کمک به آنها در زمینه رقابت، کسب منافع پایدار و نهایتاً نیل به استقلال، مورد استفاده قرار می‌گیرد. اما موفقیت این بنگاه‌های اقتصادی (SMES) اغلب بستگی به توانایی آنها در همکاری با بنگاه‌های اقتصادی مشابه دارد. ذکر این نکته کاملاً ضروری است که بنگاه‌های کوچک و متوسط اقتصادی برای بقا در بازارهای جهانی می‌بایست از طریق موسساتی که هم در بازارهای منطقه‌ای و هم در زمینه صادرات توانمندی‌های لازم برای رویارویی با چالش‌های پدید آمده توسط رقبای چندملیتی حتی در بازارهای خانگی را دارا باشند، با یکدیگر به همکاری بپردازند. این امر به ویژه در حوزه تولید مواد اولیه کشاورزی و محصولات صنعتی، کشاورزی، حائز اهمیت فراوان است. اما مهمتر از این جنبه، ایجاد شرایطی منتهی به ایجاد اشتغال محلی پایدار است که در غیر این صورت، نیل به آن شرایط امکان‌پذیر نمی‌باشد.

در جوامع فقیر، عوامل بسیاری ممکن است توسعه اقتصادی، اجتماعی را با تاخیر مواجه نماید. نبود موسساتی توانمند با قابلیت تامین تولیدات اولیه مواد غذایی و با قیمت‌های رقابتی و یا ایجاد کانال‌های مناسب برای ورود به بازارهای داخلی و خارجی، همچنان به عنوان یکی از موانع جدی فراروی اشتغال‌زایی و تولید ثروت به خصوص در مناطق روستایی، باقی مانده است.

### تحولات زیست محیطی

در سال ۱۹۸۰، گزارشی توسط

روستایی و تامین امنیت غذایی. تاکید داشتند. از طرف دیگر، نمایندگان یک تعاونی مصرف، به منظور دستیابی به الگوهای مصرف پایدار، خط‌مشی سه‌گانه در رابطه با «طبیعت» یعنی بازیافت، تبدیل و استفاده مجدد، را مورد حمایت قرار دادند.

### تحولات تکنولوژیک

سرعت جهانی شدن و شتاب پیشرفت‌های تکنولوژیک، چالش‌های جدیدی را پدید آورده است که در کلیه کشورها عمومیت دارد. رقابت فزاینده و تحولات اقتصادی ناشی از انسجام و یکپارچگی اقتصاد جهانی و پیشرفت‌های تکنولوژیک، موجب بی‌ثباتی و بروز مشکلاتی در دستیابی به اشتغال بخش‌های وسیعی از نیروی کار کشورها گردیده است. در عین حال، این قدرت‌های اقتصادی جدید، فرصت‌های تازه‌ای را برای رشد اقتصادی و گسترش اشتغال پدید آورده‌اند.

سطح کیفی مهارت‌های هر ملتی در رابطه با بهره‌برداری کیفی از فرصت‌ها، عاملی مهم به شمار می‌آید که هم زمان با کاهش هزینه‌های اجتماعی، نقل و انتقالات سریع تکنولوژیک و گذار به اقتصادی به مراتب بازتر را نیز موجب می‌شود. نوآوری‌های تکنولوژیک، امکان بهره‌برداری از انرژی و مواد خام به گونه‌ای موثرتر در جایگزینی مواد خام را پراکنده با محصولات ترکیبی جدید به خوبی فراهم کرده است. سیستم‌های حمل و نقل و ارتباطات، فرصت انتقال مشاغل به مناطق دارای نیروی کار ارزان و امکان تولید را در مجتمع‌های صنعتی جدا از هم فراهم می‌نمایند. باید شکرگزار تکنولوژی نوین بود که تعداد کشاورزان کمتری قادر به تولید غذای بیشتر نسبت به قبل می‌باشند و حتی دولت‌ها با هدف اجتناب از مازاد تولید، خسارات ناشی از کاهش تولیدات کشاورزان را به آنها پرداخت می‌نمایند. از سوی دیگر، این بهره‌وری بالا، حاصل استفاده فراوان از مواد شیمیایی است که به نوبه خود، سهم عمده‌ای را در آلودگی هوا، خاک و آب بر عهده دارند. ●



از دهه ۱۹۸۰ به این سو، انواع جدیدی از شرکت‌های تعاونی به منظور مراقبت از افراد سالخورده و نیز تامین خدمات اساسی، از قبیل مراقبت‌های پزشکی، مسکن، مراسم تدفین و دیگر خدمات اجتماعی حمایتی، گسترش یافته‌اند. هم زمان و هم سو با این دیدگاه، سایر گروه‌های آسیب‌پذیر، نظیر جوانان بیکار نیز، بخشی از منافع خود را در تشکیل و یا پیوستن به تعاونی‌های کارگری و یا تعاونی‌های خدمات جامعه محور، جستجو می‌کنند.



و تخریب جنگل‌ها، از مهم‌ترین خطرات زیست محیطی حاصل از تغییرات جهانی آب و هوا، محسوب می‌گردند.

نهضت تعاون، می‌تواند در برابر این قبیل مشکلات زیست محیطی و چالش‌های وسیع ناشی از آنها، قد علم نماید، احتمالاً، مهمترین درسی را که ما در خلال دهه ۱۹۸۰ آموختیم این بوده است که حفاظت از محیط زیست و بازتولید بهره‌وری خاک، امکان‌پذیر است مشروط بر آن که شرایط لازم برای دخالت و در واقع مشارکت افراد ذی‌نفع، فراهم شده باشد.

در کنفرانسی که از سوی ICA در سال ۱۹۹۳ در شهر رم برگزار گردید، نمایندگان انواع مختلفی از تعاونی‌های شرکت‌کننده، به تشریح نقش خویش در حفاظت از محیط زیست پرداختند، به عنوان مثال، نمایندگان یک تعاونی کشاورزی، به تبیین نقش و سهم خود پیرامون افزایش تعمیق توسعه پایدار

«اتحادیه بین‌المللی تعاون (ICA) با پیش‌بینی آینده تعاونی‌ها، به نابودی محیط زیست به شرح ذیل اشاره کرد:

از هر آن چه در مورد قرن حاضر که هم اکنون به پایان خود نزدیک می‌شود، گفته شود، یک نکته را می‌بایست مدنظر داشت که نوع بشر در این قرن، بیش از همه دوران تاریخ به مسموم کردن و تخریب محیط زیست پرداخته است. انقلاب صنعتی دوران معاصر که حدود ۲۰۰ سال قبل آغاز گردید، عملاً جوامع را در مسیر نابودی و تخریب منابع طبیعی متعلق به کلیه انسان‌ها با استناد به مفاد این ضرب‌المثل که می‌گوید «ثروت از سرگین به دست می‌آید» قرار داده است. تخریب محیط زیست هم زمان با استفاده افراطی از منابع و ایجاد عدم تعادل در موازنه‌های ظریف طبیعت صورت گرفته است. (ICA): تعاونی‌ها در سال ۲۰۰۰، لندن، ۱۹۸۰، صفحه ۲۳۹

آلودگی هوا، خاک و آب به درجه و ابعادی رسیده است که نمی‌تواند از سوی شهروندان عادی و یا سیاست‌مداران، مورد بی‌توجهی قرار گیرد. تغییرات آب و هوایی که منجر به خشکسالی‌ها، آتش‌سوزی جنگل‌ها و سیلاب‌های عظیم که به طور فزاینده‌ای موجب خسارات سنگین می‌شود، مردم را به تجدیدنظر در سبک زندگی و دیدگاه‌هایشان در زمینه بهره‌گیری از منابع طبیعی، واداشته است. اگرچه در کشورهای صنعتی، توجهات خاصی نسبت به کنترل آلودگی هوا، مصرف و بازیافت مواد زائد، استفاده از منابع جایگزین و قابل تجدید انرژی و توسعه تکنولوژی‌های مناسب می‌شود، معذالک این مسائل همچنان از قرار گرفتن در راس برنامه‌های اجرایی به دور مانده‌اند. اقدامات جاری به منظور مجبور ساختن بنگاه‌های اقتصادی برای جبران خسارات وارده به محیط زیست توسط آنها، آن‌طور که باید و شاید، موثر، واقع نمی‌گردند.

در کشورهای در حال توسعه، بیابان‌زدایی ناشی از کشت انحصاری، فشارهای جمعیتی، چرای بیش از حد، استفاده از مواد شیمیایی خطرناک (از جمله کودهای شیمیایی و یا حشره‌کش‌ها)